



گاز روسیه و بازار اروپا

رومانو پرودی رئیس کمیسیون اروپا، در سال ۲۰۰۱ برای برقراری ارتباطی نزدیک‌تر با ولادیمیر پوتین فعالیت زیادی کرد. اگر چه این عمل باعث افزایش تجارت با روسیه مخصوصاً در زمینه انرژی شد، ولی در واقع ابتکار پرودی به دلیل نگرانی قاره اروپا در مورد عدم اطمینان به عرضه گاز روسیه به آن منطقه بود. صادرات گاز به عنوان یک منبع بزرگ درآمد خارجی برای روسیه به شمار می‌آید و با وجود مشکلات ساختاری جدی در مسائل مربوط به تجارت گاز در آن کشور که موجب نگرانی شده هیچ اثری از وجود حرکات سیاسی که باعث به خطر افتادن عرضه گاز این کشور باشد، وجود ندارد.

روسیه در حال حاضر، بزرگترین مخازن گاز جهان را دارد که حجم تقریبی آنها ۴۸ تریلیون متر مکعب است. Gazprom تنها شرکتی است که مسؤلیت کنترل تجارت گاز در روسیه را به عهده دارد. مدیریت ۷۰ درصد از مخازن گازی و ۹۰ درصد از تولید گاز آن کشور به عهده این شرکت است که این مقدار تولید در سال ۱۹۹۹ معادل ۳۳ درصد از کل تولید گاز جهان بود. ذکر این نکته حائز اهمیت است که Gazprom صاحب انحصاری شبکه خطوط لوله و توزیع گاز در روسیه نیز هست.

۳۸ درصد از مالکین آن شرکت را دولتمردان تشکیل می‌دهند. این شرکت ۲۵ درصد از درآمد مالی بیمه کشور را نیز تأمین می‌کند. یکی از دلایلی که روسیه در شرایط ویژه با کاهش تولید

خود با اوپک همکاری کرد به علت ارتباط نزدیک سود حاصل از صادرات گاز به اروپا با قیمت فرآورده‌های نفتی است. این شرکت حتی اگر با یک تأخیر ۹ ماهه رو به رو باشد از فروش گاز در داخل کشور مبلغ چشمگیری عایدش می‌شود. به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۰، ۶۳ درصد از کل فروش گاز روسیه در داخل صورت گرفت که ۲۲ درصد از درآمد ناخالص آن کشور را شامل می‌شد که یک سوم آن به Gazprom رسید. فروش گاز روسیه به اروپا شامل کشورهای واقع در غرب، مرکز و شرق اروپا می‌شود که ۲۵ درصد از کل حجم فروش و ۷۳ درصد از درآمد ناخالص آن کشور را شامل می‌شود. فروش گاز به جمهوری تازه استقلال یافته شوروی سابق ۱۲ درصد از کل حجم فروش را در بر می‌گیرد. بنابراین چنین نتیجه‌گیری می‌شود که فروش گاز به اروپا برای اقتصاد روسیه ضروری است.

مخازن گازی روسیه بسیار بزرگ هستند

ظرفیت کل مخازن گازی روسیه را به راحتی نمی‌توان تخمین زد؛ زیرا حجم زیادی از آنها به صورت گاز غیرهمراه در اختیار شرکت‌های نفتی روسی هستند که دسترسی محدودی به بازار دارند، بنابراین در لیست رایج جهانی به طور کامل ثبت نشده‌اند. با توجه به تخمین‌های به عمل آمده از بقیه مخازن گازی، حجم آنها به طور تقریب ۴۸ تریلیون متر مکعب است. حجم مخازن گازی در اختیار Gazprom بیش از ۳۰

تریلیون متر مکعب است که ۱۹ تریلیون متر مکعب آن جزو مخازن استاندارد اثبات شده جهانی و ذخایر احتمالی است و به عنوان مقایسه در اواخر سال ۲۰۰۰ شرکت Exxon Mobil مخازن گازی اثبات شده را ۱/۵۸ تریلیون متر مکعب، شرکت Shell ۱/۴۴ تریلیون متر مکعب، شرکت BP ۱/۱۶ تریلیون متر مکعب و شرکت Petrochina ۰/۹۲ تریلیون متر مکعب گزارش کردند. تنها منطقه روسیه که Gazprom قادر به کنترل آن نیست، مخازن گازی موجود در شرق سیبری است، زیرا ارسال گاز از این منطقه به اروپا غیرممکن بوده و مخازن آن بسیار سنگین است، لذا مقرون به صرفه است که صادرات آن به چین، ژاپن و دیگر کشورهای خاور دور صورت گیرد.

تولید در حال کاهش است

علی‌رغم این که حجم بالایی از مخازن گازی در اختیار شرکت Gazprom است ولی حجم متوسط تولید آن شرکت در سال ۲۰۰۱ نسبت به سال ۱۹۹۸ تقریباً ۲/۵ درصد در سال کاهش داشت. به طوری که حجم تولید در سال ۲۰۰۰ به میزان ۵۲۳ میلیارد متر مکعب و در سال ۲۰۰۱، تقریباً ۵۱۲ میلیارد متر مکعب گزارش شده است. ۸۰ درصد از مخازن گازی متعلق به Gazprom در غرب سیبری واقع است که شامل ۶ میدان گازی است و ۹۰ درصد تولید آن شرکت از این میادین صورت می‌گیرد. کاهش تولید گاز از

این میادین به دلیل عدم توانایی آن شرکت در بهینه سازی فرآیند تولید است.

Gazprom با توسعه میدان عظیم گازی Zapolyarnoye تصمیم به افزایش تولید خود دارد. این میدان گازی در سال ۲۰۰۱ در مدار تولید قرار گرفت و انتظار می رود که تولید آن به ۷ میلیارد متر مکعب افزایش یابد. این افزایش بدون هیچ گونه کمکی، توسط آن شرکت انجام خواهد گرفت. یک پیشنهاد فعالیت مشترک با شرکت Shell برای بالا بردن حجم تولید نیز ارائه شده که در حال حاضر در مرحله توافقات تقسیم تولید هستند. به طور تقریب می توان اعلام کرد که میزان تولید در سال ۲۰۰۵ با اجرای پروژه پیشنهادی Shell و تولید میعانات گازی به ۱۳۲ میلیارد متر مکعب خواهد رسید.

مشکلات ساختاری بسیار جدی در مسائل تجاری مربوط به گاز روسیه وجود دارد

با انجام طرح های مربوط به میدان Zapolyarnoye، پیش بینی می شود که میزان تولید Gazprom در چند سال آتی به ۵۳۰ میلیارد متر مکعب برسد. به منظور تحقق این تخمین، آن شرکت باید قادر به سرمایه گذاری در بخش تأمین و نگهداری سیستم خط لوله خود باشد و ممکن است که شرکت برای رسیدن به اهداف خود در چندین سال آینده مجبور به صرف هزینه ۴-۵ میلیارد دلار در سال باشد. مقدار زیادی از این هزینه باید جهت بهینه سازی سیستم خط لوله در مناطق سردسیر و یخبندان، جایی که شرایط زندگی بسیار سخت و طاقت فرسا است، تخصیص داده شود؛ زیرا حجم زیادی از تولید گاز شرکت Gazprom در آینده از مناطق ساحل یا مناطق بسیار سرد قطب شمال صورت خواهد گرفت. بنابراین نیاز به مقاوم کردن سیستم خط لوله احساس می شود.

مشکلات مربوط به توافقات مشارکت در تولید فقط مربوط به شرکت Shell نیست. Wintershall اخیراً مشارکت خود را در توسعه میدان نفتی Prirazlomnoye در دریای Barents به علت تأخیر در تعیین توافقات قرارداد مشارکت در تولید متوقف شده است. مجتمع میادین میعانات گازی Schtockmon در دریای بارتنز واقع در یک منطقه با شرایط آب و هوایی نامتعادل دارای ذخایر گازی و میعانات گازی به ترتیب به مقدار ۳/۲ تریلیون متر مکعب و ۳۱ میلیون تن است که شرکاء شرکت های روسی Roshelf/Gazprom در این معامله عبارتند از:

Conoco، Norskhydro و TotalFinaElf و Fortun. در این معامله نیز مذاکرات مربوط به توافقات مشارکت در تولید به درازا کشیده شده است. قابل توجه است که یکی از عوامل اصلی و کلیدی در عدم توافق در این مسأله بدان علت است که شرکاء غربی خواهان سهمی از کل منافع (از ابتدا تا رسیدن به دست مصرف کننده های اروپایی) هستند.

نیاز به سرمایه گذاری در میادین گازی و فعالیت های زیربنایی

زمانی که میزان تولید از میادین قدیمی کاهش می یابد، به دو علت Gazprom به تنهایی قادر به سرمایه گذاری در بخش تولید نیست.

۱- به دلیل موقعیت آن شرکت به عنوان یک عامل پرداخت کننده به خزانه دولتی روسیه
۲- به دلیل قیمت های بسیار پایین پرداخت شده برای تولید گاز داخلی.

با تغییر مدیریت آن شرکت در سال ۲۰۰۱، مدیر جدید آقای Alexi Miller در جهت رفع نیاز به سرمایه گذاری تلاش های زیادی را انجام داده است.

بودجه پیشنهادی Gazprom برای سال ۲۰۰۲، به میزان ۵/۳ میلیارد دلار است، اگر چه مقدار زیادی از این بودجه صرف پروژه های زیر بنایی خواهد شد، ولی لازم است که ۲/۵ میلیارد دلار از آن بودجه صرف بهبود شرایط مخازن جدید شود، مخصوصاً پروژه هایی که در میدان عظیم گازی Zapolyarnoye تعریف شده اند.

با توجه به آن که بودجه پیشنهادی، تقریباً ۳/۲ میلیارد دلار بالاتر از نقطه سر به سر جریان وجوه نقدی است، دولت با آن بودجه موافقت نمی کند ولی Gazprom با فشاری می کند که مخارج را در محدوده جریان وجوه نقدی نگه دارد.

Gazprom با فروش دارایی های جنبی به ارزش ۰/۸۴ میلیارد دلار با این عمل مقابله کرد ولی با اتمام شرایط مذکور به نظر می آید که مخارج طرح های سال ۲۰۰۲ باید کاهش یابد، مخصوصاً اگر قیمت نفت به بالاتر از محدوده ۲۰-۱۸ نرود. کاهش ارزش پولی روبل به میزان ۵ برابر در سال ۱۹۹۸ باعث رونق یافتن بخش مهندسی نفت در روسیه شد و قیمت اجناس و خدمات مهندسی وارداتی به طور ناگهانی تا حد بسیار بالایی افزایش یافت. این عمل باعث شد که بخش بالادستی قادر به نگهداری و افزایش سطوح مخارج خود در زمان کاهش قیمت نفت

باشد.

در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ هنگامی که قیمت نفت تا حدودی بهبود یافت درآمدهای بالایی نصیب آن بخش شد. در دو سال گذشته پیش بینی سرعت تورم در روسیه دارای اشکالاتی بوده است. در نیمه اول سال، تورم به میزان ۲۴ درصد افزایش یافت و در ماه ژوئیه با ۶ درصد کاهش مواجه شد که در ماه های آخر مجدداً افزایش یافت. در واقع می توان بیان داشت که حالت حقیقی آن در سال ۲۰۰۱ حدوداً ۱۸۵ درصد بود. بنابراین تورم زیاد از ژانویه تا دسامبر سال ۲۰۰۱ نرخ ارز از ۲۸/۲ به ۳۱/۱ روبل در هر دلار رسید؛ چنین رشدی در تغییر قیمت باعث از بین رفتن استفاده های رقابتی به دست آمده از کاهش ارزی پول در سال ۱۹۹۸ شده است (به طوری که به نصف آن رسیده است). اگر روبل، قدرت خود را در مقابل دلار حفظ کند و قیمت نفت در سطح پایین باقی بماند، امکان آن وجود دارد که شرکت های روسی برای جلوگیری از کاهش هزینه های بالادستی با مشکل مواجه شوند. در جوابگویی به کاهش تولید، Gazprom، جهت تجارت مستقل گازی به شرکت روسی Itera^۱ مجوز داده است که مقداری از عرضه گاز روسیه به کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق، یعنی کشورهای اوکراین و آذربایجان را طبق قراردادهای رسمی افزایش دهد.

Itera مطابق قراردادی در سال ۲۰۰۱ می توانست ۱۰ میلیارد متر مکعب از گاز ترکمنستان را برداشت کند که این برداشت خارج از تولید تقریبی کشور به میزان ۵۱/۷ میلیارد متر مکعب در آن سال بود. انتظاراتی وجود دارد که گاز قزاقستان در دسترس Itera قرار گیرد جایی که کل تولید سال ۲۰۰۱ به طور تقریب ۱۰/۳ میلیارد متر مکعب بود و در سال ۲۰۰۵ به ۳۴/۱ میلیارد متر مکعب خواهد رسید. هزینه های زیادی که برای گاز منطقه خزر پرداخت می شود، به این علت است که احتمال توزیع آن در بازار داخلی روسیه زیاد نیست و به کشورهای FSU و از آنجا به غرب اروپا صادر خواهد شد.

قیمت های محلی باید افزایش یابد

تعیین قیمت از برای مصرف کنندگان داخلی به عهده کمیسیون انرژی دولتی (FEC) است که همراه با آن تعرفه های حمل و نقل در شبکه های داخلی خطوط لوله را نیز تدوین می کند. قیمت

فروش داخلی گاز در بازار روسیه بین ۱۶-۱۵ دلار برای هر ۱۰۰۰ متر مکعب است.

قیمت‌های پرداختی به شرکت‌های نفتی توسط Sibur^۲

خرید گازهای همراه بستگی به موقعیت میدان نفتی و فاصله آن تا بازارها دارد که احتمالاً قیمت آن خیلی پایین و به مقدار ۸ دلار در هر میلیون متر مکعب است. شرکت‌های نفتی اعلام کرده‌اند که جهت تنظیم هزینه‌های کلی ضروری برای توسعه میدان‌های گازی غیرهمراه، نیاز به آن است که قیمت گاز ۴۰ دلار در هر میلیون متر مکعب باشد. Gazprom یکی از طرفداران سرسخت برای افزایش قیمت گاز داخلی است، زیرا به این وسیله می‌تواند نیازهای سرمایه‌ای خود را تأمین کند. مباحث زیادی نیز از افزایش قیمت گاز مطرح است از این رو قیمت گاز در سال ۲۰۰۲ نسبت به سال ۲۰۰۱ احتمالاً ۳۵ درصد افزایش خواهد داشت.

آن چه که مسلم است با افزایش قیمت گاز، قیمت برق نیز افزایش خواهد یافت؛ بنابراین این افزایش قیمت مسلماً تورم را افزایش خواهد داد در نتیجه کنترل تورم در سطحی کمتر از ۱۵ درصد مشکل خواهد بود.

قیمت‌ها در حومه روسیه وابسته به قیمت نفت هستند

هزینه‌های دریافتی Gazprom و Itera از جمهوری‌های واقع در FSU ما بین قیمت‌های داخلی و قیمت‌های موجود در غرب اروپا است که انعکاسی از هزینه‌های حمل و نقل داخلی و بخش‌های Fraternal است. گزارش شده که Itera در حال خرید گاز به قیمت ۴۰ دلار در هر میلیون متر مکعب، ۵۲ دلار از آذربایجان دریافت می‌کند و هرگونه استفاده‌ای محدود به بخش حمل و نقل از قزاقستان به روسیه است. براساس گزارش‌های واسله هزینه‌های دریافتی از بلغارستان در سال ۲۰۰۰ بیش از ۱۰۰ دلار در میلیون متر مکعب بود و رابطه میان قیمت‌های نفتی نشان می‌دهد که قیمت مذکور افزایش خواهد یافت. اختلاف قیمت‌های پرداخت شده توسط آذربایجان، بلغارستان و غرب اروپا به دلیل هزینه قیمت حمل و نقل است. هزینه‌های پرداختی داخلی روسیه دو نوع است: اول هزینه‌های وابسته به غیر Gazprom که به ازای هر ۱۰۰ کیلومتر ۰/۳۳ - ۰/۳ دلار است. دوم هزینه‌های وابسته به Gazprom که قیمت‌های

آن پایین‌تر است.

با حرکت جریان گاز به کشورهای واقع در شرق، مرکز و غرب اروپا هزینه‌های مالیاتی توسط کشورهای که گاز از آنها عبور می‌کند دریافت خواهد شد. کل هزینه فرآیند انتقال که شامل کمپرس کردن، تعرفه‌های مالی Gazprom، تعرفه‌های مالی کشورهاست بین ۳۰ تا ۵۰ دلار در هر میلیون متر مکعب بالاتر از قیمت سرچاه برای تحویل گاز از غرب سیبری به غرب اروپا است.

متوسط قیمت دریافت شده برای صدور ۱۲۵ میلیارد مترمکعب گاز روسیه به بازارهای غرب اروپا در سال ۲۰۰۱ به طور تقریباً ۱۲۰ دلار به ازای هر میلیون متر مکعب بود. در حالی که در سال ۲۰۰۰، این رقم تقریباً ۱۰۷ دلار در هر میلیون متر مکعب بود. اگر متوسط قیمت نفت برنت در سال ۲۰۰۲ به میزان ۱۸ دلار در هر بشکه، باشد انتظار می‌رود که قیمت گاز به طور متوسط ۹۰ دلار در هر میلیون متر مکعب باشد و اگر قیمت نفت برنت در سال ۲۰۰۳ نیز بدون تغییر در همان ۱۸ دلار ثابت بماند؛ بنابراین قیمت گاز به ۸۵ دلار در هر میلیون مترمکعب تنزل خواهد کرد.

آیا تجارت صادرات گاز روسیه می‌تواند آزاد شود؟

کمیسیون اروپا در تلاش برای بر هم زدن پیمان و ساختار قیمتی است که براساس آن Gazprom گاز را به اروپا می‌فروشد و Gazprom نیز در حال مقاومت در مقابل چنین فشارهایی است.

هنگامی که خدمات قدیمی موجب عرضه حجم عظیمی از گاز اروپا می‌شود، آزادسازی بازارهای گاز مشکل خواهد بود (لازم به ذکر است که Gazprom ۲۶ درصد از نیاز گاز طبیعی اروپا را در سال ۲۰۰۰ تأمین کرده است). بعید به نظر می‌آید که مالکین خطوط لوله گاز از Gazprom جدا شوند زیرا مسلماً در آن صورت مجبور به پرداخت هزینه‌های اضافی در سیستم حمل و نقل خواهند شد. Gazprom مخالف سیستم TPA (Third Party Access) است؛ زیرا مانع اصلی برای تصویب قوانین اجاره انرژی توسط روسیه است. فقدان TPA و پایین بودن قیمت‌های داخلی گازی دو عاملی هستند که باعث عدم توسعه مخازن بزرگ گازی توسط شرکت‌های نفتی روسی می‌شوند و امکان آن وجود دارد که فروش گاز به اروپا به صورت تک

محموله‌ای صورت گیرد. مقامات روسیه از این که شرکت‌های غربی در توسعه میدان‌های نفتی و گازی موقعیت‌های بهتری نسبت به شرکت‌های داخلی دارند، نا حدودی خشمگین و عصبانی هستند. اگر به شرکت‌کنندگان در میدان Schtockman پیشنهاد شرکت در زنجیره صادرات ارائه شد، مسلماً این پیشنهاد موجب حرکت در تشکیل TPA و دادن فرصت لازم به شرکت‌هایی غیر از Gazprom جهت فعالیت در امور صادرات خواهد شد. ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که احتمالاً قیمت سرچاهی یعنی ۴۰ دلار در هر میلیون مترمکعب بعد از اجرای عملیات حمل و نقل در اروپا به ۹۰-۷۰ دلار در میلیون متر مکعب خواهد رسید.

اگر رشد تقاضای برق در روسیه ادامه پیدا کند و قیمت‌های محلی نیز افزایش یابد در آن صورت برای شرکت‌های نفتی انگیزه زیادی به دست می‌آید که گاز را در بازارهای داخلی به فروش برسانند تا این که برای گرفتن از صادرات از Gazprom تلاش کنند.

رشد تقاضای محلی گاز ادامه پیدا می‌کند، اما به احتمال قوی در مقابل قیمت حساس خواهد شد

گاز طبیعی تقریباً ۵۵ درصد از سهم مصرف انرژی اولیه در روسیه را به خود اختصاص داده است. فروش داخلی گاز با قیمت‌های پایین، باعث رشد اقتصاد و ترغیب جهت بهبود وضعیت نسبت به بحران سال ۱۹۹۸ شده است. ارزش ناخالص داخلی در روسیه در سال‌های گذشته از رشد قابل توجهی برخوردار بوده است که در سال ۲۰۰۱ به طور متوسط ۵/۵ درصد رشد گزارش شده است. متأسفانه میزان رشد اقتصادی در دیگر صنایع قابل توجه نیست، بنابراین به همین دلیل سرعت رشد آهسته‌تر خواهد بود.

مصرف داخلی گاز طبیعی در سال ۲۰۰۰ تقریباً ۳۳۴ میلیارد متر مکعب بود که در مقایسه با سال ۱۹۹۹، به میزان ۵ میلیارد مترمکعب افزایش داشته است. از این مقدار (۳۳۴ میلیارد مترمکعب)، ۳۰۸ میلیارد مترمکعب آن توسط Gazprom تأمین و تحویل شده است و تقریباً ۳۰ میلیارد مترمکعب نیز کسری وجود دارد که این کسری به دو علت است: ۱- به دلیل عرضه قیمت‌های پایین در بازار داخلی، ۲- به دلیل عدم توانایی مصرف‌کنندگان در پرداخت هزینه آن. صنعت تولید برق تقریباً یک سوم از کل مصرف

گاز روسیه را به خود اختصاص داده است که کمی بیشتر از حجم گاز صادر شده است و حجمی از گاز نیز در فرآیند تولید برق به دلیل عدم بازدهی مناسب از بین می‌رود. با آغاز فعالیت سیستم‌های جدید CCGT در سال ۲۰۰۱ در صنعت تولید برق، تقاضای مصرف گاز افزایش یافت. UES^۱ تأمین‌کننده انحصاری برق، قراردادی را با Gazprom امضا کرده که مطابق آن گاز را به قیمت ۱۴ دلار در هر میلیون متر مکعب از آن شرکت خریداری کند؛ اما Gazprom اعلام کرده که قیمت گاز در قراردادهای جدید ۳۶-۳۴ دلار در هر متر مکعب خواهد بود بنابراین، آنان درصدد کاهش عرضه نفت به UES هستند. مقداری از مصرف گاز UES توسط Itera در سال ۲۰۰۰ تأمین شد. در حال حاضر Itera قراردادهای سودآورتری با کشورهای استقلال یافته شوروی سابق برقرار کرده است. افزایش قیمت مسلماً به کاهش مصرف داخلی منجر می‌شود و UES را مجبور می‌کند که توان و بازدهی دستگاه‌های تولید برق خود را افزایش دهد. به عبارت دیگر بالا رفتن قیمت‌ها در بازار داخلی باعث ایجاد رقابت در داخل می‌شود و مطمئناً باعث کاهش سهم Gazprom در بازارهای داخلی خواهد شد.

در جواب به ابتکار پرودی، پوتین رئیس جمهوری روسیه اعلام کرد که نیاز به افزایش صادرات گاز از روسیه به اروپا شدیداً احساس می‌شود. با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، مطمئناً مصرف گاز در غرب اروپا با رشد سالانه ۳ درصدی انجام خواهد یافت و این احتمال وجود دارد که میزان تقاضا در شمال و مرکز اروپا نیز سریع‌تر انجام پذیرد. Gazprom تصمیم به حفظ و حتی افزایش سهم خود در بازارهای اروپایی دارد. در این صورت دیگر هیچ‌گونه نگرانی برای کنترل واردات گاز در ایالات شرقی در حال رشد اروپا وجود نخواهد داشت.

جواب روشن و واقعی وجود ندارد

در روسیه مخازن عظیمی از گاز وجود دارد و برنامه‌ریزی‌های صادرات گاز به اروپا نیز مهیا شده است، بنابراین برقراری یک پل ارتباطی برای تحویل و تحول، نیازمند سرمایه‌گذاری بزرگ است. کاهش تولید کنونی گاز در روسیه ممکن است که به کاهش صادرات آن منجر شود. مگر این که به شرکت Gazprom یا شرکت‌های نفتی غربی و روسی اجازه سرمایه‌گذاری بیشتری در بخش تولید داده شود یا اینکه قرارداد

مشارکت در تولید با آنها بسته شود، البته به شرطی که مشوق‌های قیمت‌گذاری نیز وجود داشته باشد.

به هر حال قیمت‌های داخلی گاز باید به یک سرعت کافی و مناسب افزایش یابد تا بتواند هزینه‌های افزایش یافته اکتشاف و تولید را جبران کند و برقراری و افزایش جریان گاز در روسیه به راحتی صورت نمی‌پذیرد چون اکثر مخازن گازی در میدین بزرگ و در مناطق دور دست قرار گرفته‌اند که جریان آب و هوایی نامساعدی دارند. به همین دلیل هزینه‌های بهبود و بهینه‌سازی بسیار بالا خواهد بود و مساعد کردن مسائل زیربنایی به صرف زمان زیادی نیاز خواهد داشت، گذشته از اینها هزینه‌های عملیاتی حمل و نقل نیز باعث افزایش قیمت برای مصرف‌کننده نهایی گاز می‌شود. اگر قیمت نفت کاهش یابد یا قراردادهای مالی طولانی مدت تنظیم نشود بنابراین بهینه‌سازی حتماً به تأخیر خواهد افتاد. به عبارت دیگر، اگر قیمت‌های نفت بدون تغییر باقی بماند، مسلماً قیمت‌های داخلی گاز در روسیه افزایش خواهد یافت و حضور شرکت‌های ثالث نمایان می‌شود که در آن صورت شاهد رشد صنعت اکتشاف گاز در روسیه خواهیم بود و این تحولات باعث شناخت مخازن بزرگتر و تأمین گاز فراوان به اروپا با قیمت‌های قابل قبولی خواهد شد.

ایزابل موراری می‌گوید که روسیه در صنعت گاز حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. به علت نقش کلیدی روسیه در صادرات نفت و گاز، بخش انرژی آن کشور تأثیر زیادی در موفقیت و کامیابی کشورهای صنعتی و بازارهای انرژی جهان دارد.

وجود اصلاحات در آن کشور امری ضروری است زیرا موجب توانمند شدن انرژی در پاسخگویی به افزایش تقاضای داخل کشور و افزایش رشد تولید ناخالص داخلی خواهد شد.

موفقیت در انجام پروژه‌ها به ایجاد یک سرمایه‌گذاری پایدار و رقابتی در بخش‌های زیست‌محیطی، انرژی، اصلاح قیمت، شفاف‌سازی، افزایش راندمان انرژی و ایمن‌سازی در مقابل برخوردهای نامساعد زیست‌محیطی بستگی دارد.

میزان عرضه در دهه جاری تغییری نخواهد کرد تا اینکه وضعیت بهبود یابد

تقریباً یک سوم از مخازن گاز طبیعی در میدین بسیار بزرگ روسیه و میدین کوچکتر

مجاور آنها وجود دارد. استفاده از منابع گازی آن کشور برای دهه‌های آتی نیز میسر است و میزان عرضه در این دهه تغییر نخواهد کرد تا این که وضعیت بازار بهتر شود. اما سرمایه‌گذاری در جهت بهبود میزان عرضه آینده در بخش وارداتی، نیازمند فراهم کردن شرایط ضروری آن است. عرضه یک مشکل اساسی نیست مگر این که در سیستم قیمت و مالیات تغییر و تحول به وجود آید و با وجود نگرانی‌های بیان شده توسط Gazprom و دولت روسیه در باره امکان دسترسی یا عدم دسترسی به عرضه منابع گازی جدید روسیه به دلیل وابستگی آن کشور به گاز طبیعی در بخش تولید برق به خصوص در ناحیه اروپایی، مسلماً روند فعلی و افزایش حجم صادرات در بازار ادامه خواهد یافت.

ذخایر/منابع

ذخایر گازی روسیه مطابق با آمارهای منتشره از Gazprom در ماه ژانویه سال ۲۰۰۰ به میزان ۴۸ تریلیون متر مکعب اعلام شده و Cedigaz در ماه ژانویه سال ۲۰۰۱، حجم ذخایر گازی را ۴۶/۶ تریلیون متر مکعب اعلام کرد که این مقدار شامل ذخایر اثبات شده و احتمالی است. ۷۷ درصد از ذخایر گازی به حجم، ۲۷ تریلیون متر مکعب در غرب سیبری واقع شده است و ۴ تریلیون متر مکعب نیز در فلات قاره بارتز، کارا و فلات ساخلین قرار دارد. Gazprom، مجوز بهره‌برداری از ۳۴ تریلیون متر مکعب ذخایر اثبات شده و احتمالی را دارد که ۷۱ درصد کل حجم مخازن است. حدود ۶۰ درصد از مخازن گاز در میدین واقع در ناحیه Nadym-pur - Taz در غرب سیبری قرار دارند. منابع ارزی کشف نشده به وسیله USGS، ۳۳ تریلیون متر مکعب تخمین زده می‌شود. مطابق آخرین اطلاعات منتشره توسط Gazprom، حجم منابع اولیه نهایی ۲۰۰-۱۸۰ تریلیون متر مکعب گزارش شده است. منابع عظیمی از گاز در دریای خزر در بخش متعلق به روسیه و مناطق ساحل، شمال غربی حوزه خزر و آستراخان وجود دارد که میادین واقع در آستراخان، تقریباً ۱/۵ تا ۲ تریلیون متر مکعب از مخازن گازی را شامل می‌شوند. مطابق گزارش USGS توان منابع کشف نشده در آن منطقه ۱/۰۴ تریلیون متر مکعب است. به علت کاهش عملیات اکتشاف، حجم مخازن گازی در دهه ۹۰ به میزان زیادی کاهش یافت. با توجه به برآوردهای به عمل آمده در بخش مخازن اثبات شده و

احتمالی، میزان تولید گاز در ۴۰ سال آینده هم سطح با سال ۲۰۰۰ خواهد بود.

چشم‌انداز تولید

دلیل اصلی ناپایداری در تولید گاز روسیه، کاهش سرعت تولید از میادین Urengoy، Medvezhye و Yamburg در ناحیه Nadym-pur -Taz واقع در غرب سیبری است. این میادین تقریباً ۷۵ درصد سهم تولید کشور را شامل می‌شوند. اگر لازم باشد که سطح تولید کنونی حفظ شود با در نظر گرفتن روند بسیار نزولی تولید در این منطقه، به شرطی که سطح تولید تغییر نکند، باید جریان‌ات تولید جدیدی در دو دهه آتی در مدار تولید قرار گیرند. با توجه به پیش‌بینی‌های به عمل آمده توسط بخش رسمی برنامه‌ریزی انرژی روسیه، میزان تولید گاز در منطقه Nadym-pur -Taz در سال ۲۰۲۰ نسبت به تولید کنونی، ۷۵ درصد کاهش خواهد داشت؛ بنابراین لازم است که ابتدا از گاز منطقه دریایی Barents در منطقه (دریایی) Shtokmanovskoye و بعد از سال ۲۰۱۵ از میدان گازی Yamal Yeninsula بهره‌برداری شود. با توجه به زمان ۷-۵ ساله جهت بهره‌برداری از میادین بزرگ در منطقه Nadym-pur -Taz در غرب سیبری نیاز است که برنامه‌ریزی‌های دقیقی به عمل آید تا پیش از موعد مقرر شرایط بهره‌برداری فراهم شود.

اطلاعات دقیقی از سرعت کاهش تولید از میادین کسنونی وجود ندارد. براساس پیش‌بینی‌های به عمل آمده توسط Gazprom و دولت روسیه، بهره‌برداری از منابع گازی آن کشور با یک شتاب کاهنده در جریان است که یکی از دلایل آن می‌تواند تلفات وارد شده به مخازن گازی به علت تولید عجولانه در زمان اتحاد جماهیر شوروی باشد. اما با سرمایه‌گذاری مناسب در بخش‌های زیربنایی، کاهش تولید از میدان Medvezsh'ye برطرف شده است. چنین تصمیم‌گیری نیز امکان دارد که در مورد میادین Urengoy و Yamburg هم به عمل آید. آیا سرمایه‌گذاری مورد نیاز به عمل خواهد آمد؟ در جواب باید گفت که چنین سرمایه‌گذاری بستگی به چگونگی برگشت سرمایه دارد.

اگر مطابق پیش‌بینی‌های انجام شده توسط اداره برنامه‌ریزی دولت، روند کاهش بهره‌برداری از میادین Urengoy و Yamburg به همین ترتیب ادامه یابد در ۲۰ سال آینده جهت تأمین تقاضا، نیاز به ظرفیت تولید جدید به میزان ۳۰۰

میلیارد مترمکعب خواهد بود. بهبود و توسعه عرضه بستگی به قدرت و تمایل مشتریان داخلی و خارجی در پرداخت هزینه‌ها در جهت جبران سرمایه‌گذاری‌های انجام شده خواهد داشت. بدون شک نیاز به سرمایه‌گذاری‌های عظیم و تکنولوژی‌های خارجی نه تنها در توسعه میادین جدید و مسائل زیربنایی حمل و نقل شدیداً احساس می‌شود بلکه در جهت رفع مشکلات استثنایی زمین‌شناسی و شرایط آب و هوایی نیز از آنها استفاده می‌شود.

اگر چه انجام فعالیت‌های تجاری در کشور روسیه از خطرپذیری زیادی برخوردار است ولی آن کشور به دلیل برخورداری از منابع گازی زیاد، شروع به جذب سرمایه‌گذاران خارجی از طریق قراردادهای مشارکت در تولید کرده است.

در حالی که حجم مخازن گازی موجود جوابگوی نیاز داخلی و افزایش صادرات در دو دهه آتی است ولی برنامه‌ریزی بهبود مخازن، با توجه به چگونگی برگشت سرمایه‌گذاران در حال انجام است. لازم به ذکر است که با توجه به شرایط اقتصادی جاری در کشور روسیه و با وجود فضای نه چندان مناسب فعالیت‌های بازرگانی و تجاری در آن کشور پیش‌بینی چگونگی برگشت سرمایه بسیار مشکل خواهد بود. شک و تردیدهایی بسیاری در قیمت‌های حاشیه‌ای، پرداخت‌ها، زمان‌های پرداخت و ساختار عوارض مالیاتی دولت وجود دارد. سیاست و برنامه‌ریزی کشور روسیه تا سال ۲۰۲۰ پیش‌بینی می‌کند که قیمت‌ها تا سال ۲۰۰۷ به مقدار زیادی افزایش خواهد یافت. انتظار آن وجود دارد که قیمت داخلی گاز با قیمت صادراتی آن در کشور هم تراز شود. این برنامه، یک چالش بسیار بزرگ محسوب می‌شود. مخصوصاً در محدوده زمانی ۲۰۰۵-۲۰۰۳ وقتی که قیمت‌ها ۳۵۰-۲۵۰ درصد افزایش می‌یابند و به محدوده ۵۵-۵۰ دلار در هر میلیون متر مکعب می‌رسند. در اینجا این ابهام وجود دارد که آیا این افزایش‌های قیمت که با حذف یارانه‌ها و اعمال پرداخت‌های نقدی همراه است می‌تواند بدون ورشکستگی بعضی از شرکت‌های بزرگ و عدم ایجاد بیکاری جدی همراه باشد؟

از طرفی مزیت‌های چنین برنامه‌ای نیز به شرح ذیل بیان می‌شود:

۱- ایجاد توانمندی‌های بسیار بزرگ در مسایل بازدهی انرژی که در نهایت موجب کاهش تقاضای داخلی و عرضه خواهد شد.

۲- ایجاد فرصت‌ها و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری توسط شرکت‌های داخلی و خارجی در بخش عرضه گاز.

صادرات به اروپا

اطلاعات مقدماتی نشان می‌دهد که Gazprom در سال ۲۰۰۰ حدود ۱۷ میلیارد مترمکعب گاز به کشورهای OECD اروپایی تحویل داده و متعهد شده که تا سال ۲۰۰۸ میزان تحویل سالیانه را تحت قراردادهای طولانی مدت تا سال ۲۰۲۵ به ۲۰۰ میلیارد متر مکعب افزایش خواهد داد. تقریباً تمامی قراردادهای جاری به صورت طولانی مدت هستند و تعداد کمی از آنها به صورت قراردادهای سالیانه است. Gazprom تصمیم به بستن قراردادهای اضافی با مشتریان اروپایی خود زودتر از سال ۲۰۰۸ را ندارد. تحت قراردادهای امضاء شده، صادرات گاز به اروپا احتمالاً تا سال ۲۰۰۵ به مقدار زیادی افزایش پیدا خواهد کرد. اما Gazprom پیش‌بینی می‌کند که چنین رشدی، تدریجی و تا ۱۵ سال آینده به طول می‌انجامد. Gazprom برنامه‌ریزی کرده است که اولین مرحله افزایش صادرات خود به اروپا به میزان ۵ میلیارد متر مکعب از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ را به انجام برساند و مرحله دوم آن از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰ به میزان ۲۰ میلیارد متر مکعب افزایش صورت گیرد. میزان افزایش صادرات گاز به اروپا (به هر میزان) به عوامل زیر بستگی دارد:

۱- جریان تقاضا و قیمت‌ها

۲- تأیید رقابت در قیمت‌گذاری

هزینه بهینه‌سازی مخازن جدید و ساخت خطوط لوله بر قدرت تولیدکنندگان در پروژه‌های مالی جدید تأثیر خواهد داشت. در روسیه تأثیر اصلاح قیمت بر روی روند تقاضا بسیار مهم است.

منبع:

بولتن شماره ۳۷ تحولات بازار گاز

موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی

پی‌نوشت:

۱- شرکت‌های تجاری مستقل گازی

۲- یکی از شعبات Gazprom

۳- United Energy Systems